خبر

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به درگذشت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

هیأت‌های موسس و امنای دانشگاه آزاد ترمیم می‌شود

شهروند| دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی از ترمیم هیأت موسس و هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی توسط این شورا خبر داد. محمدرضا مخبر دزفولی در پایان هشتادونهمین جلسه ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور درباره ریاست هیأت موسس و هیأت امنای دانشگاه آزاد اسلامی گفت: «بعد از درگذشت مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم هیأت موسس و هم هیأت امنای این دانشگاه باید ترمیم شود؛ زیرا آن مرحوم هم رئیس هیأت موسس دانشگاه آزاد اسلامی و هم رئیس هیأت امنای این دانشگاه بود.»

او درباره زمان این ترمیم در هیأت‌های موسس و امنای دانشگاه آزاد هم گفت: «طبق اساسنامه دانشگاه آزاد اسلامی این کار باید با رأی و تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت پذیرد. در این زمینه مقدمات کار در حال انجام است و هر زمانی که به نتیجه برسیم اعلام می‌کنیم.»

به گزارش مرکز خبر شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در پاسخ به سوالی درباره تحول و ارتقای علوم انسانی نیز گفت: «جلسات شورای تحول و ارتقای علوم انسانی به صورت منظم برگزار می‌شود و بیش از ۵۰ برنامه و سرفصل درسی در بیش از ۱۳۰ جلسه شورای تحول و ارتقای علوم انسانی بازنگری و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شده است و این وزارت در حال تدوین برنامه‌های عملیاتی برای اجرای این مصوبات است.»

او درباره سند ۲۰۳۰ با اشاره به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه گفت: «اسناد راهبردی و بالادستی حوزه‌های علمی، فناوری و آموزشی در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد و کشور از این منظر کمبودی ندارد.»

رئیس ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور با تأکید بر لزوم انطباق همه مقررات با این اسناد گفت: «سند موسوم به سند ۲۰۳۰ هم حتما با این اسناد مطابقت داشته باشد و تنها مرجع تشخیص و تطبیق هم در این زمینه شورای عالی انقلاب فرهنگی است.»

برای حفاظت از میراث فرهنگی انجام می‌شود

تغییر مسیر باقیمانده طرح انتقال آب خلیج فارس

شهروند| با جدی شدن انتقال آب از خلیج‌فارس به فلات مرکزی، برای حفظ آثار میراث فرهنگی در مسیر باقیمانده خط انتقال آب، بررسی باستان‌شناسی می‌شود تا در صورت نیاز تغییر مسیر انجام شود.

رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی با اعلام این خبر، طرح «انتقال آب از خلیج‌فارس به صنایع جنوب‌شرق و استان یزد» را یک طرح ملی اعلام کرد و با تأکید بر ضرورت مطالعات باستان‌شناسی پیش از آغاز این طرح گفت: «با وجود اتمام بخشی از طرح پیش‌رو، پژوهشکده باستان‌شناسی قصد دارد در صورت توافق با مجری طرح مطالعات باستان‌شناسی را در بخش باقیمانده آن انجام دهد.» حمیده چوبک افزود: «در صورت انعقاد قرارداد میان پژوهشکده باستان‌شناسی و مجری طرح، در ابتدا مناطقی که لوله‌گذاری شده مورد بررسی باستان‌شناسی قرار خواهد گرفت تا اگر آثاری بر جای مانده شناسایی شود.» به گفته چوبک، به همین دلیل در جلسه این هفته در دفتر معاونت میراث فرهنگی و با حضور مدیر هماهنگی و اجرایی شرکت تأمین و انتقال آب خلیج فارس، مقرر شد ابتدا مناطقی که عملیات عمرانی در آنها صورت گرفته، بازبینی شود تا پس از آن مابقی مسیر اجرایی طرح مورد بررسی‌های باستان‌شناسی قرار گیرد. رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی همچنین گفت که در صورت دستیابی به آثار باستانی، طرح انتقال آب تغییر مسیر خواهد داد و اگر امکان تغییر مسیر از نظر فنی وجود نداشته باشد، عملیات کاوش نجات‌بخشی در اولویت قرار خواهد گرفت. به گفته این باستان‌شناس، در مرحله دوم مطالعات نجات‌بخشی آثار به دست آمده مستندسازی شده و در صورت نیاز، اقدامات حفاظتی و جابه‌جایی آنها صورت می‌گیرد.

چوبک با اشاره به ضرورت انجام مطالعات باستان‌شناسی پیش از اجرای هر طرح عمرانی تأکید کرد: «طبق قانون پیش از تأمین اعتبار طرح‌های توسعه و عمران در سازمان برنامه و بودجه باید مطالعات منابع طبیعی، محیط زیست و میراث فرهنگی در آنها صورت گیرد.» او ادامه داد: «اگرچه توسعه و عمران اموری مهم هستند ولی میراث فرهنگی نیز زیرساخت توسعه محسوب می‌شود. بدیهی است که با انجام به‌موقع مطالعات باستان‌شناسی، طرح‌های توسعه‌ای آسیبی به آثار تاریخی نخواهد رساند.» گفتنی است که براساس بند ج ماده ۱۱۴ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم، تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و موسسات دولتی موظفند قبل از اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی و در مرحله امکان‌سنجی و مکان‌یابی نسبت به انجام مطالعات فرهنگی – تاریخی «میراث فرهنگی» اقدام و در طراحی و مکان‌یابی پروژه‌های یادشده نتایج مطالعات را رعایت کنند. به گزارش روابط‌عمومی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، در ماه‌های اخیر عملیات چند طرح عمرانی در زمینه راه‌سازی، سدسازی و کانال کشی آب که مطالعات فرهنگی – تاریخی روی آنها صورت نگرفته بود، متوقف شد تا پس از انجام این مطالعات و کاوش‌های نجات‌بخشی احتمالی، دوباره شروع شود.

گزارشی از حال و روز خانواده های دو کودک افغان که در یک کارگاه ضایعات، زنده زنده در آتش سوختند

داغ سنگین «احد» و «صمد»

احد و صمد بهرامی دو برادر ۷ و ۸ ساله بودند که از سطل‌های زباله تهران، ضایعات قابل بازیافت جمع می‌کردند

مدیر خانه علم جمعیت امام علی (ع) در ملک آباد: انواع حوادث در کمین کودکان زباله‌گرد است و حادثه «احد» و «صمد» مشتی است نمونه خروار

خانه احد و صمد بهرامی در ملک آباد کرج/ عکس: شهروند

الناز محمدی| دیوار، آبی است. سقف، آبی است. در آبی است و چشم‌های زن‌ها رنگ خون است، قرمز قرمز؛ رنگ خون «احد» و «صمد» که آن روز موقع طواف دادنشان در خانه کوچک «بسم‌الله» و «رخساره» و «گل‌پری»، روی گل‌های قرمز دو قالی خانه ریخت و سخت پاک شد؛ سخت‌تر از داغ بر دل نشسته پدر و مادر افغان «احد» و «صمد» ۷ و ۸ ساله.

«احد» و «صمد» بهرامی را تا همین دو روز پیش کسی نمی‌شناخت؛ آنها دو کودک از هزاران کودک مهاجری‌اند که در خیابان‌ها و کارگاه‌های ایران کار می‌کردند و پول به خانه می‌بردند. آنها هم پنجشنبه‌شب گذشته وقتی تازه سرهایشان را از سطل‌های زباله تهران بیرون آورده و ضایعات جمع شده را به کارگاه بازیافت درغنی آباد یافت آباد بردند تا تحویل پدرشان بدهند و بعد انفجار کپسول گاز آنها را در اتاق کوچک کارگاه حبس، تنشان را تکه تکه و جانشان را تمام کرد. «آن روز آنها را در کاور مشکی آورده بودند. ما بچه‌ها را دیدیم. همه جا را خون برداشته بود. خون نمی‌ایستاد. احد کم سوخته بود اما صمد زیاد. سر صمد منفجر شده و شکم احد پاره شده بود.»

«احد» و «صمد» را حالا خیلی‌ها می‌شناسند؛ دو کودک زباله‌گردی که پنجشنبه شب گذشته در کارگاه بازیافت زباله تنشان تکه تکه شد و بعد از چند روز، تازه دیروز خبر مردنشان به همه رسید. مردم ملک‌آباد، جایی نزدیک زندان قزلحصار اما حالا تقریبا یک هفته است که از داغ خانواده بهرامی‌اند که خبر دارند؛ از داغ «رخساره» و «گل‌پری» که دختر عمو و البته هووی همند؛ هر دو همسر «بسم‌الله بهرامی»اند، مردی که آن شب وقتی دید انفجار کپسول گاز، در اتاق کوچک کارگاه را روی پسرهایش قفل کرده، خودش را وسط آتش انداخت تا آنها را نجات دهد و البته که دیر رسید و حالا بی خبر از مرگ آنها در بیمارستان الغدیر تهران بستری است با دست و پاهایی سوخته و ۵۵ درصد سوختگی.

صدای «احد» و «صمد» یک هفته است در این خانه نمی‌آید؛ در خانه ای که اندوه، یک هفته است خودش را از دیوارهای کهنه آن بالا کشیده و خودش را سفت در دل دو هووی خانه بهرامی جا کرده است؛ خانه ای که حالا زن‌های فامیل، دور تا دورش را پر کرده و به سوگ نشسته‌اند. «رخساره»، مادر «احد» است؛ زن ۲۲ ساله ای که تازه از اعتیاد و کمپ زنانه تهران برگشته تا بنشیند این گوشه، در اتاق سرتاسر آبی خانه «بسم‌الله» و زانوهایش را بغل کند؛ زانوی غمی که سخت سنگین است. گریه به زن‌ها اجازه حرف زدن نمی‌دهد و هووی «رخساره»، «گل‌پریِ» ۲۵ ساله که در ۱۵ سالگی او را به زن دومی شوهرش دادند و او را از هرات به ایران فرستادند، بیشتر نای حرف زدن دارد. آنها دو بچه دیگر هم دارند؛ «امین» و «نازگل» که سرخوشانه در کوچه‌های تنگ ملک‌آباد بازی می‌کنند، بی خبر از آوار غمی که بر مادرهایشان ریخته است. «امین» برادر یک ساله صمد است و مادرش می‌گوید خیلی شبیه اوست. گل پری مثل خیلی از همشهری هایش که آنها را در هرات جا گذاشته و به ایران آمده است، «بچه» را فقط پسر حساب می‌کند.

چند تا بچه‌داری؟

هیچی. یک دانه داشتم، آن هم خدا او را از من گرفت.

و بعد زن‌های فامیل می‌گویند او یک دختر کوچک هم دارد؛ «نازگل» را. عمه بچه‌ها همین چند دقیقه پیش تشنج کرده و او را جمع و جور کرده اند. «گل پری» می‌گوید احد و صمد تازه یک هفته بود که با پدرشان کار می‌کردند. «پول نداشتیم که آنها را به مدرسه بفرستیم.»

وقت مرگ «احد» و «صمد» را «گل‌پری»، ساعت چهار صبح جمعه بود که فهمید؛ «ساعت ۱۰ شب به شوهرم زنگ زدم گفتم کجایی؟ گفت داریم ضایعات جمع می‌کنیم. ساعت چهار صبح بود که خبر دادند اینطوری شده. شوهرم یک ماه بود که ضایعات جمع می‌کرد، قبل از آن کمپ بود. شیشه و دوا می‌کشید. خودم کشاورزی می‌کردم و زندگی را می‌چرخاندم. گوجه می‌کاشتیم و خیار. چون در زمستان کار کمتر شده بود، بچه‌ها هم یک هفته بود بیشتر از قبل سر کار می‌رفتند. خانواده اش افغانستانند.» او از رابطه اش با هوویش یا همان دختر عموی سال‌های دورش می‌گوید: «هیچ وقت ما با هم دعوا نکردیم. الان این از ذهنم بیرون نمی‌رود که خودم بچه‌ها را کتک می‌زدم، حوصله‌ام نمی‌گرفت و گاهی اذیتشان می‌کردم. الان همه اش درگیر این موضوع هستم. همان روز اول رخساره را خبر کردم که اینطور شده است؛ گفتم بالاخره مادر است، یک وقت نگوید که چرا بچه که اینطوری شد من را خبر نکردی؟ فکر کردم که اگر بچه اش را نبیند و او را خاک کنند، خیلی سخت تر است. زنگ زدم به کمپ و او را خبر کردم. احد و صمد گاهی دعوا می‌کردند و بیشتر وقت‌ها با هم دوست بودند. این بچه‌ها را خودم بزرگ کردم.» «احد» و «صمد» را در یکی از بیابان‌های اشتهارد خاک کردند؛ جایی دور از خانه، جایی که برای قبرهایش می‌شود که پول نداد و می‌شود که در خاکش، تن دو کودک افغان «غیرقانونی» را خاک کرد. «گل پری» اما دیگر نه دلش ملک‌آباد را می‌خواهد نه دلش، توان رفتن هر روزه به اشتهارد. در سر او حالا هوای دیگری افتاده است: «دوست دارم برگردم افغانستان، الان من دیگر اینجا چه کار می‌کنم؟ بدون بچه‌هایم چطور اینجا بمانم.»

ملک‌آباد؛ مأمن کودکان زباله‌گرد

ملیحه میرجعفری، مدیر خانه علم ملک‌آباد جمعیت امام علی (ع) یکی از نخستین کسانی است که از ماجرا باخبر شد. او سال‌هاست که مددکار کودکان افغان کارگر است و از ماجرای آن شب اینطور می‌گوید: «صمد و احد بهرامی، هفت و هشت ساله بودند؛ یکی شان از یک مادر است و یکی از مادر دیگر؛ دو هوو با هم زندگی می‌کنند. مادر احد سالم است اما مادر صمد، معتاد است و دو ماه کمپ بوده، وقتی می‌شنود که بچه اش مرده از کمپ می‌آید خانه. «بسم الله بهرامی»، پدر احد و صمد هم معتاد است و همین چندماه پیش از کمپ آمده است.»

او می‌گوید بیشتر بچه‌های ملک‌آباد به تهران می‌روند و دستفروشی می‌کنند: «احد و صمد هم دستفروشی می‌کردند و همین دوماه پیش در طرح جمع آوری کودکان کار، یکی از آنها را می‌گیرند و به بهزیستی می‌برند. بعد از آن خانواده مراجعه کرد و بچه را پس دادند و پدر آنها برای اینکه دوباره بچه‌ها را نگیرند، آنها را به کارگاه بازیافتی که خودش در آن کار می‌کرد، برد؛ در غنی آباد نزدیکی یافت آباد. آنها از سطل‌های زباله، پلاستیک و زباله و... را جدا می‌کردند و به کارگاه می‌بردند. شب جمعه، بچه‌ها به طبقه بالای کارگاه می‌روند تا خودشان را گرم کنند و بعد کپسول می‌ترکد و همه جا آتش می‌گیرد؛ در بسته می‌شود و بچه‌ها متاسفانه از بین می‌روند. پدر هم همان موقع خودش را می‌رساند و می‌رود وسط آتش تا آنها را نجات دهد ولی بچه‌ها مرده بودند. پدر هم ۵۵ درصد سوختگی دارد و در بیمارستان الغدیر یافت آباد بستری است.»

میرجعفری می‌گوید جمعیت امام علی (ع) در ملک‌آباد ۲۰۰ بچه را تحت پوشش دارد که ۷۰ درصد این کودکان مهاجر و ۳۰ درصدشان ایرانی اند: «خیلی از بچه‌هایی که برای درس و کلاس‌های مختلف می‌آیند، باز هم کار می‌کنند. چون تا بخواهی بچه ای را از چرخه کار خارج کنی، شاید باید ۱۰ سال کار کنی؛ باید مادر او را توانمند کرد، پدرش را از چرخه اعتیاد خارج کرد و کلا کار فرهنگی زیادی در این زمینه نیاز است. بعضی از این خانواده‌ها حتی با وجود آنکه به نان شب خود نیازمند نیستند باز هم بچه‌ها را به کار می‌گیرند چون این موضوع در فرهنگ آن‌هاست که بچه باید کار کند.»

مدیر خانه علم ملک‌آباد جمعیت امام علی (ع) از بچه‌هایی سخن می‌گوید که بیشترشان در ملک‌آباد ضایعات جمع آوری می‌کنند: «حتی بچه‌هایی هستند که در خود این محله زباله گردی می‌کنند، چون خانواده‌ها می‌خواهند بچه هایشان «دم چشمشان باشند» ولی خب خیلی از خانواده‌ها هم بچه‌ها را برای زباله گردی به تهران یا کرج می‌فرستند.»

میرجعفری درباره شرایط محل کار این بچه‌ها می‌گوید: «در گاراژهایی کار می‌کنند که پیمانکاران شهرداری مسئول آنها هستند، درواقع هر کدام از این پیمانکاران مسئول یکی از این گاراژها هستند. آنها این بچه‌ها را به کار می‌گیرند، چون نه اوراق هویت دارند نه قرار است آن‌ها را بیمه کنند.» به گفته مدیرخانه علم ملک‌آباد جمعیت امام علی (ع) حتی اگر این بچه‌ها در گاراژ بمیرند پیمانکارها مسئولیتی ندارند: «این گاراژها پر از کودک و نوجوانند؛ خانواده‌های خیلی از این بچه‌ها اصلا اینجا نیستند و آنها پولی را که به دست می‌آورند به افغانستان و دیگر شهرها می‌فرستند.» او درباره دو کودکی که اخیرا در آتش سوزی یکی از این گاراژها از بین رفتند می‌گوید: «این دو مشتی هستند نمونه خروار، برای همه بچه‌هایی که در این گاراژهای پر از ضایعات، کار و حتی زندگی می‌کنند، ممکن است این اتفاقات بیفتد. این گاراژها اصلا شرایط استانداردی ندارند و بسیار خطرناکند. در بسیاری از کارگاه‌ها، حدود ۴۰ بچه کار می‌کنند و اگر چنین اتفاق‌هایی برای آنها بیفتد، یک فاجعه است.» ملیحه میرجعفری می‌گوید: «به نظرم دیگر وقت آن است که از صاحبان و پیمانکاران این گاراژها سوال شود که چرا بچه‌های زیر ۱۵ سال را به کار می‌گیرند. مثل خیلی از کشورهای دیگر هم که پناهنده و مهاجر دارند، مهاجرانی که در ایران زندگی می‌کنند هم باید از شرایط تقریبا مناسبی برخوردار باشند.» او درباره آینده این بچه‌ها نگران است، به گفته این فعال حقوق کودک، مهاجران در این آب و خاک زندگی می‌کنند، بومی همینجا می‌شوند و در نهایت ایران را وطن خودشان می‌دانند. اگر ساختارهای دولتی و رسمی این مهاجران را قبول ندارند، پس آنها اینجا چه می‌کنند؟ بالاخره باید برای آنها چه کرد؟ او معتقد است: «ما آنقدر کودکان زباله گرد را می‌بینیم که به آن ها، به کارشان و به وضع ناگوار زندگیشان عادت کرده ایم، اینکه مدام سرشان داخل سطل زباله است، برایمان عادی شده و انگار حتما باید یک اتفاق خاص بیفتد یا فاجعه ای رخ بدهد تا یک حرکت اجتماعی در این باره صورت بگیرد.» مدیرخانه علم ملک‌آباد جمعیت امام علی (ع) می‌گوید: «بچه‌هایی که ما با آنها در ارتباطیم، دچار حوادث مختلفی می‌شوند. مثلا یک بار «پیمان» آمده بود و وسط چهارراه کتک خورده و چشمش آسیب دیده بود یا «جاوید» ناخنش موقع کار، زیر گاری گیر کرده و از جا کنده شده بود. همین چندوقت پیش یکی از بچه‌ها که شب در راه خانه بود، توسط یک نفر چاقو خورده و چندین روز در آی سی یو بیمارستان مدنی بستری بود.» به گفته میرمحمدی: «در خیابان حوادث زیادی برای این بچه‌ها اتفاق می‌افتد. آزارهای جنسی هم در بین این بچه‌ها خیلی زیاد وجود دارد و خیلی هایش را ما متوجه نمی‌شویم، بعدا در رفتارهای آنها نمود پیدا می‌کند. همین دیروز از یکی از بچه‌ها که هفت سالش است تست روانشناسی گرفتیم و متوجه شدیم به او تجاوز شده است.»

فعالان حقوق حیوانات می‌گویند برای قرارداد بستن شهرداری با پیمانکارانی با سابقه بد نگرانند

هراس از تکرار سگ کشی در تهران

شهروند| «به او می‌گویند دکتر. دکتر کسی است که سه- چهارسال پیش با شرکت ساماندهی مشاغل شهرداری کرج قراردادی برای معدوم‌کردن ۶هزار سگ بست؛ قراردادی که خیلی از فعالان سندش را که قیمتی ۳۷۵میلیون تومانی در آن قید شده بود، به یاد دارند. او دکتر ناشناخته‌ای بود که در زیرزمینی نمور دامپزشکی داشت. نزدیک ۴سال پیش وقتی سگ کشی اوج گرفته بود، پیگیر هر ماجرای سگ کشی که می‌شدیم، به نام همین دکتر پیمانکار می‌رسیدیم.» این روایت از یکی از فعالان حقوق حیوانات نقل شده است؛ او و چند نفر دیگری از فعالان ابراز نگرانی کرده‌اند که پای پیمانکارانی که از معدوم‌سازی سگ‌ها پول درمی‌آوردند، به شهرداری تهران هم باز شود و قصه کشتن سگ‌ها، در تهران هم تکرار شود.

آگهی مناقصه عمومی واگذاری فعالیت‌های کلینیکی دامپزشکی و نگهداری نقاهتگاه سگ‌های بدون صاحب مرکز آرادکوه چند روزی است که منتشر شده و دیروز این مناقصه برگزار شد اما نتیجه هنوز معلوم نشده است. در هفته اخیر فعالان حقوق حیوانات با انتشار این آگهی، در شبکه‌های مجازی ابراز نگرانی کردند که مبادا پای افرادی که سابقه بدی دارند، بار دیگر به شهرداری باز شود. یکی از فعالان که نامش نزد «شهروند» محفوظ است، از پیمانکاری صحبت می‌کند که پیش از این در کرج بود و حالا مدتی است با شهرداری تهران قرارداد بسته و شاید این مناقصه را ببرد.

«او در کمالشهر، چهاردیواری داشت که ۱۵۰ سگ را در آن‌جا داده بود و نمی‌گذاشت هیچ‌کس از آن بازدید کند تا از وضع حیوانات مطمئن بشود. یا دوسال پیش سوله‌ای در کرج که بیشتر از ۳۰۰ توله کوچک در آن بود و تعداد زیادی جنازه. تمام مدت با سندسازی و صحنه‌سازی سعی داشت نشان دهد که وضع حیوانات خوب است اما ما بارها دیدیم که هرجا فاجعه‌ای رخ می‌داد، اسم این آدم پشتش بود.»

بعضی دوستداران حیوانات مدعی هستند، مافیایی پشت این مناقصه‌هاست و نمی‌گذارد معدوم‌سازی سگ‌ها که بابتش حقوقی می‌گیرند؛ از دست گروهی از افراد خارج شوند و تحت هیچ شرایطی نخواهند گذاشت پیمانکاری از دست آنها خارج شود: «نگرانی ما از تکرار این ماجراهاست، چون هیچ قانون بازدارنده‌ای برای جلوگیری از این اتفاق وجود ندارد. درحال حاضر تمام هم‌وغم ما این است که این لایحه حمایت از حیوانات است که دست هیأت دولت بود و با کمی تغییرات به مجلس رفته.»

مجید محسنی‌نیا، مدیر روابط‌عمومی شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر شهرداری در گفت‌وگو با «شهروند»، در پاسخ به این نگرانی‌ها می‌گوید: «طبیعی است که پیمانکار عوض شود. طبق قانون برای این کار فراخوان دادیم. این وسط شاید کسی تکنولوژی جدیدی با خودش بیاورد. برای کنترل جانوران قصد ما جلب رضایت حداکثری مردم است. به ما ربطی ندارد که چه کسی این مناقصه را ببرد. هر که باشد، سوابقش بررسی می‌شود. شاید مدارکش ناقص بود و نشد، از الان نمی‌توانیم پیش‌داوری کنیم. اسم هر کس دربیاید، با نظارت عوامل ما فعالیت خواهد کرد.»

او ادامه می‌دهد: «ما سعی داریم در ارتباط با محیط‌زیست و جانوران شهری به نحو احسن فعالیت کنیم. قبلا می‌گفتیم جانوران مضر شهری اما الان لفظ مضر را هم حذف کرده‌ایم، چون نمی‌توانیم این حیوانات را از بین ببریم و فقط باید جمعیتشان را کنترل کنیم. با گسترش شهر و کشیده‌شدن ساختمان‌سازی به کوه و دشت‌های اطراف، حریم تهران از بین رفته و شهر فضای زیست سگ‌های بی‌صاحب را اشغال کرده است. هر روز به ما زنگ می‌زنند که سگ زیاد شده، اما باید گفت که ما به حریم آنها رفته‌ایم. مردم چندباری گزارش وجود روباه در شهر داده‌اند اما نمی‌دانند بهترین وسیله کنترل جمعیت حیوانات همین سگ‌های اطراف شهرند که می‌توانند از ورود هرگونه حیوان وحشی جلوگیری کنند.» محسنی توضیح می‌دهد که برای کنترل جمعیت سگ‌ها، آنها را پلاک‌گذاری کرده؛ زیر پوست گردنشان میکروچیپ‌هایی کار گذاشته‌اند که مشخصات آنها از جمله این که چه زمانی معاینه و عقیم شده‌اند، ذکر شده است. او که در حال حاضر آمار دقیقی از تعداد جمعیتی که پلاک‌گذاری شده ندارد، می‌گوید: «در دوسالی که این مأموریت به ما داده شده، جلسات تخصصی با سازمان‌های مردم‌نهاد برگزار کرده‌ایم. درحال حاضر خیلی از کارهایی که انجام می‌دهیم، با نظر همین فعالان است. همچنین جلساتی با هنرمندان داشته‌ایم و با نظرخواهی این افراد به نتیجه رسیدیم که از تکنولوژی روز استفاده کنیم.»

فعالان حقوق حیوانات اما معتقدند، سگ کشی همچنان ادامه دارد، عقیم‌سازی‌ها غیراستاندارد است. محسنی می‌گوید: «ما حیوانات را معاینه و عقیم می‌کنیم. از آنهایی که امکانش هست، بهره‌برداری می‌کنیم و خیلی‌هایشان را بدون دریافت هیچ‌وجهی به‌عنوان نگهبان واگذار می‌کنیم. روزانه این عملیات معاینه و عقیم‌سازی را انجام می‌دهیم و تعداد زیادی را هم خارج از شهر رها می‌کنیم تا نگهبان شهر باشند.» او اطمینان می‌دهد که سگ کشی در تهران دیگر تکرار نخواهد شد: «سگ کشی در تهران به حدود ۶سال پیش برمی‌گردد. شکارچیان سگ دیگر در شهرداری تهران بیکار شده و به نگهبانی یا حفاظت بوستان‌ها مشغول شده‌اند.»

روی خط خبر

مخالفت وزارت رفاه با مصوبه مجلس درباره بازنشستگی زنان شاغل با ۲۰سال سابقه کار

مصوبه اخیر مجلس ۱۰۰هزار زن را بازنشسته می‌کند

شهروند| وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بازنشستگی زنان با ۲۰سال سابقه کار که مصوبه مجلس است، مخالفت کرد. براساس اعلام معاون وزیر کار و رفاه اجتماعی، بازنشستگی زنان با ۲۰سال سابقه بدون شرط سنی منجر به تحمیل بار مالی ۱۰هزار میلیارد تومانی به صندوق بازنشستگی کشوری می‌شود. همین هم شد تا حجت میرزایی از شورای نگهبان بخواهد تا اجازه تصویب نهایی این مصوبه را ندهد و با آن موافقت نکند. به گفته این مسئول در وزارت رفاه، با اجرای این مصوبه، یک‌سوم ۳۰۰هزار زن شاغل در دولت باید بازنشسته شوند؛ این در حالی است که دولت به هیچ وجه با این مصوبه موافق نبوده است: «به نظر می‌رسد فشار مدیران صندوق‌ها دولت را مجاب کرده است که باید به‌شدت نسبت به منافع صندوق‌ها و صیانت از آن حساس باشد. طرح بازنشستگی زنان نیز یک پیشنهاد الحاقی بود و از سوی دولت مطرح نشد و امکان دفاع و محاجه کارشناسی برای آن فراهم نشد.» به اعتقاد او، این طرح نیاز به انجام کارهای کارشناسی داشت: «اگر این کار حتی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس کارشناسی می‌شد، مورد مخالفت قرار می‌گرفت. امیدوارم شورای نگهبان با اشراف و وقوف نسبت به تبعات این موضوع، اجازه تصویب نهایی این قانون را ندهد. تمام تلاش و رایزنی‌های خود را انجام خواهیم داد.» به گزارش ایسنا، معاون وزیر کار و رفاه اجتماعی که در نشست خبری درباره مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی صحبت می‌کرد، با اشاره به تصویب بازنشستگی پیش از موعد بیمه‌شدگان صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان در چندماه اخیر گفت: «صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان را در سنین جوانی جوان‌مرگ کردیم و منابع و ذخایر را برای بازنشستگی ۱۰۰هزار نفر به زوال کشاندیم و ۴۰۰۰میلیارد تومان بار مالی به آن تحمیل کردیم. همچنین دو بند از برنامه ششم اخیرا به تصویب رسید که بازنشستگی پیش از موعد زنان با ۲۰سال سابقه بدون شرط سنی از این جمله است. این مصوبه دست‌کم ۱۵۰هزار نفر را در آستانه بازنشستگی قرار می‌دهد و بار مالی حدود ۱۰هزار میلیارد تومانی برای صندوق بازنشستگی به همراه خواهد داشت.» او در ادامه با ابراز نگرانی از کسری‌ها و مشکلات اقتصادی صندوق‌ها گفت: «علت این امر تصمیم‌های اشتباه گرفته‌شده برای صندوق‌ها در گذشته است. یک تصمیم بدون انجام کار کارشناسی ممکن است هزارها میلیارد بار مالی ایجاد کند.»

با رأی دیوان عدالت اداری

مناطق حفاظت‌شده از محدوده مناطق آزاد خارج شد

شهروند| هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای حفاظت محیط‌زیست، به خروج مناطق حفاظت‌شده محیط‌زیستی از محدوده مناطق آزاد رأی داد. به گزارش دیوان عدالت اداری، در آخرین جلسه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با بررسی دستور جلسه‌ای مربوط به شکایت سازمان بازرسی کل کشور از وزیران عضو شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری، شورا خواستار ابطال مصوبه‌ای شد که به موجب آن مساحت ۶۲۶۶ هکتار به محدوده منطقه آزاد تجاری انزلی از اراضی محدوده همجوار به آن افزوده شده است. بر اساس این گزارش، شاکی مدعی است که در این افزایش محدوده مطابق مصوبه‌های فوق‌الذکر تعرض و دست‌اندازی به تالاب انزلی و پارک ملی بوجاق انجام گرفته و خواهان، در دادخواست تقدیمی دلیل مغایرت مصوبه‌های مزبور را مستند به دو ماده ۲ و ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و نیز بند (ب) ماده ۳ قانون شکار و صید و بند الف ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مطرح کرده است. در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با اشاره به اصل ۵۰ قانون اساسی که حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه عمومی تلقی می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران می‌انجامد را ممنوع اعلام می‌کند، آمده است: «طبق دو ماده ۲ و ۳ قانون حفاظت از محیط زیست، اولاً تعیین مناطق پارک ملی و تحدید حدود آن از افزایش و کاهش با شورای عالی حفاظت محیط‌زیست است، بنابراین مقام واضع در مصوبه مورد شکایت خارج از حدود اختیارات است و ثانیاً اینکه داخل‌شدن محدوده پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده انزلی مطابق دو ماده ۴ و ۵ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری، مستلزم خروج مدیریت و اداره پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده از شورای عالی محیط‌زیست خواهد بود که مخالف با بند (ب) ماده ۳ قانون شکار و صید بوده است.»

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت صنایع نساجی هلال ایران شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۵۹۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۹۳۰۴۹ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۵/۰۴/۱۳۹۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۲۹/۱۲/۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت دایار هیافت به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی شراکت به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۴۲۴۰ به سمت بازرس علی البدل برای سال مالی۱۳۹۵ انتخاب شدند. روزنامه شهروند بعنوان روزنامه کثیر الانتشار جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۱۸۲۷۳)

مفقودی

سند کمپانی خودرو سواری هیوندا ی آزرا ۳۳۰۰ به رنگ سفید صدفی متالیک مدل ۲۰۰۷ به شماره موتور C۶DB۶A۷۰۱۳۲۵ و شماره شاسی KMHFC۴۱DP۷A۱۵۷۹۶۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو ۴۰۵ نقره ای مدل ۱۳۸۹ به شماره شهربانی ایران ۹۶ - ۷۲۹ ج ۹۹ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۱A۷۵۲۹۳۳۵ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۳۲۷۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .

پذیرش آگهی های روزنامه شهروند:
۴۴۹۵۶۲۰۰ – ۲
www.shahrvand.agahiha@gmail.com